

رای دیوان کشور ایالات متحده در مورد اعتراف و حق داشتن وکیل در مراحل اولیه بازجوئی

در تیرماه امسال دادگاه عالی ایالات متحده آمریکای شمالی رأی مهمی صادر کرد که بررسی آن از نظر حقوق اساسی و حقوق جزائی خالی از اهمیت نخواهد بود. طبق این رأی پلیس باید حین دستگیری متهمین بآنها اعلام نماید که حق دارند پاسخ سؤالات پلیس را در حضور وکیل خود بدهند و نیز حق دارند که تا حضور وکیل ساکت بمانند و فقط در صورت تفهیم این مطالب و چنانچه متهمین علی‌رغم حقی که دارند حاضر بپاسخ گوئی باشند پلیس می‌تواند بازجوئی را شروع نماید. چنانچه متهم استطاعت مالی برای پرداخت حق الوکاله نداشته باشد و وکیل هم بخواهد دولت باید مخارج این کار را پردازد و وکیل پس از حضور حق دارد که صریحاً بموکل خود توصیه نماید که ساکت بماند و چیزی نگوید. بنا بر این دیوان کشور ایالات متحده بطور محسوسی وضع متهمین را در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های پلیس که سالها در آن کشور مشخص نبود استحکام بخشید و بدین ترتیب متهمین می‌توانند بامشاوره حقوقی و وکیل مشورت نموده و بدون توجه بمصالح خود سخنی نگویند. پس از صدور رأی مذکور که بمنظور استحکام حقوق افراد و حمایت متهمین صادر گردیده است جار و جنجال زیادی برپا گردید. چند ساعتی پس از صدور این رأی یکی از رؤسای پلیس ایالات غربی اظهار داشت که ما باید دکان خود را ببندیم. ولی این قبیل عکس‌العمل‌ها قابل انتظار بوده و هر وقت که رأی محاکم اعمال پلیس را محدود نموده بمیان آمده است.

این رأی یکی از آرائی است که دیوان کشور آمریکا برای تحول و بهبود حقوق جزائی آن کشور و بمنظور حمایت بیشتری از افراد صادر کرده است. و این حکم بخصوص بیشتر دو هدف دارد:

- ۱- اعطاء امتیاز به متهمین که نسنجیده بر علیه خود حرفی نزنند و خود را در معرض اتهام قرار ندهند.
- ۲- حق مشورت و تبادل نظر با وکیل و در این صورت پلیس مجبور خواهد بود که فقط وظیفه عادی خود را انجام دهد. غالب محکومینها بر اساس اعتراف و یا ضبط اظهارات بدون

تأمل و قابل اتهامی استوارند که توسط پلیس اخذ یا ضبط شده است. دادگاه عالی ایالات متحده در پرونده فردی متهم بقتل بنام Escobedo کارگراهل شیکاگو باین مطلب اشاره نموده است. باین شخص که متهم بقتل بوده اجازه داده نشد که وکیل خود را در پاسگاه پلیس ببیند و بالتبلیجه با اعترافی نسنجیده خود را در معرض اتهام قرار داد. در سال ۱۹۶۴ دادگاه عالی محکومیت وی را لغو کرد ولی مستقیماً به روش بازجویی و گرفتن اعتراف اشاره ای ننمود.

قصد حکم مورد بحث حاضر این بود که از تکرار موارد مشابه در مسئله اتهام و محکومیت Escobedo جلوگیری نموده و بهر حال وضع مشخص و معینی برای بازجویی و اعتراف تعیین شده باشد. رأی مذکور با اکثریت آراء ۵ در برابر ۴ صادر و با مخالفت شدید اکثریت محکومیت چهار نفر را بملت اعترافات جداگانه و در موارد مختلف بملت دزدی، عمل منافی عفت و قتل نفس نقض نموده است. آقای وارن رئیس دیوان عالی که جزء اکثریت بود در اظهار عقیده اکثریت چنین اظهار داشت که اعتراف را نمیتوان مبنای محکومیت قرار داد مگر اینکه مدعی العموم ثابت کند که بمتهم قبلاً اعلام شده است که میتواند ساکت بماند تا وکیل در بازجویی وی حضور یابد. چه بقول جکسون Jackson یکی از قضات متوفای دیوان عالی کشور هر وکیل با ارزش در صورتیکه صلاح کار را یجاب نماید میتواند بمتهم بگوید که میتواند در بازجویی پلیس ساکت ماند، و بطور وضوح در صورت چنین اظهاری کار پلیس خاتمه یافته و پرونده به دستگاههای قضائی باید برود رأی دادگاه تفسیر تازه و غیر مستقیمی از موضوع «فشار و اعمال فشار بمتهمین» است که فصل عمده ای از حقوق جزائی آمریکا را تشکیل میدهد، که کسی را نمیتوان در هیچ پرونده جنائی بشهادت بر علیه خود واداشت، و دادگاه عالی قبلاً اعترافات را که با تهدید، قول، و با وسایل غیر مجاز دیگری بدست آمده باشند ارادی و بمعنی واقعی کلمه ندانسته و رد کرده است. بموجب رأی مورد بحث وادار نمودن از نظر روانی و روانشناسی نیز مردود شناخته شده است برای مثال بظاهر هم دردی کردن با متهم. گفتن با او که شناخته شده باید و بخاطر مصلحت خود اعتراف نماید و اطمینان با او که عمل ارتکابی تقریباً صحیح بوده اند مغرور و وادار کردن بحساب میآیند.

در صورتیکه چنین اعمالی آنهم در محیط بحرانی حین دستگیری متهم در پاسگاه پلیس اعمال شوند و وقتیکه متهم تنها و بدون مشورت قضائی است و حقوق قانونی خود را نمیداند و با و تفهیم نشده بقول آقای وارن در رئیس دیوان عالی کشور آمریکا اظهاراتش محصول اراده آزاد نیست. قضات دیوان کشور آمریکا آقایان (۱) بلك (۲) برنن (۳) دوگلاس (۴)

1- Black

2- Brennan

3- Douglas

4- Fortas

فورتاس باضافه آقای وارن (۱) اکثریت را در رأی مذکور تشکیل داده اند و قضات اقلیت آقایان (۲) کلارك (۳) هارلان (۴) استوارت (۵) وایت بوده اند. اقلیت در عقیده خود اظهار نموده که بیشتر بازجویی های پلیس را نمیتوان بسا اعمال فشار و جبر توأم دانست و جامعه این حق را دارد که از متهمین جنائی بعلت موقعیتها و دلایلی که پلیس را مظنون و وادار به بازداشت و یا بازجویی از آنها نموده سئوالاتی بنماید و از آنها پاسخ بخواهد.

عده زیادی از مجریان قانون در آمریکا گفته اند که رأی دادگاه عالی درباره اعتراف معنی و اثر زیادی ندارد چه اخطار مورد بحث یعنی داشتن وکیل بمتهمین بطور ضمنی داده میشود. ولی بهر تقدیر از رأی مذکور بعلت تضعیف پلیس آنهم در زمانیکه آمار جنایات بالا میرود شکایت دارند. بیشتر پاسگاههای پلیس اخطار و یادآوری لازم را در باره حقوق قانونی بمتهمین میکنند و کرده اند ولی شاید این یادآوری بطور ضمنی معمول بوده و شاید هم یادآوری غیر مستقیم و ضمنی روشی برای ایجاد رابطه و تفاهم لازم بمتهم برای سخن گفتن بوده است. بملاوه در گذشته رأی قاطع و صریحی نبود که چه وقت باید این یادآوری پیش کشیده شود. و اینک روشن است که برای دستگیری متهم باید گفته شود که او حق سکوت دارد. و چنانچه قبول کنیم که عده ای از متهمین از حق داشتن مشورت قضائی و وکیل در پاسگاه پلیس چشم پوشی میکنند (ولی نه در دادگاهها) روشن میشود که پلیس اخطار صحیح و صریح بآنها نداده است.

تأثیر رای مورد بحث در محکومیتهای آینده مورد گفتگو است بنظر آقای وارن رئیس دیوان عالی احتیاج باخذ اعتراف تا بحال بیشتر از آنچه که باید مورد نظر دستگاههای پلیس بوده است دادستان کل ایالات متحده آقای کاتزنباخ (۶) با وجودی که قبلا از دادگاه عالی خواسته بود که رأی خود را درباره اعتراف بنحو محدودی ابراز بسدازد پس از صدور رأی حاضر گفت که تحکیم و اعمال قانون برای دادگاه عالی کما کمان امکان پذیر خواهد بود. چهار قاضی اقلیت پیش بینی نتایج مفایری کردند. آقای هارلان اکثریت را متهم به تسامح و سهل انگاری نموده و نظر آنان را در زمانی که آمار جنایات در کشور روز بروز بالاتر میرود آزمایش خطرناکی دانست.

یکی از روسای پلیس نیویورک درباره نیویورک نیز اظهار داشت که لااقل رأی مذکور کارو تأثیر پلیس را محدود میسازد.

به عقیده عده زیادی از حقوق دانان و قضات این رأی درباره جنایتکاران باسابق تصمیم

1- Warren

2- Clark

3- Harlan

4- Stewart

5- White

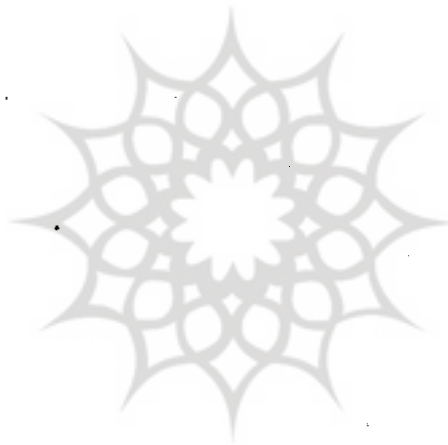
6 - Katzenbach

بی‌اثر است ولی احتمالاً اعتراف را در پرونده‌های کم اهمیت مخصوصاً دزدی‌های کوچک کم میکند. وبمکس بنظر عده دیگری نتیجه‌رای یاد شده اینست که در آینده به بازجویی اهمیت بیشتری داده و بردقت آن دستگاه افزوده خواهد شد.

طبق آمار اف. بی. آی (۱) جنایات مهم از سال ۱۹۵۸ تا کنون ۶۰ درصد افزایش یافته‌اند و این افزایش ۶ برابر افزایش جمعیت در همان مدت میباشد. ولی عده‌ای از ناظران اعتقاد دارند که آمار مذکور درست و مطابق با واقع نیست و باید جنایات و جرائم را از نظر نوع و شدت وضعف در زمان مورد نظر مطالعه و بررسی نمود.

بهر صورت این نتیجه‌را سالهای قبل آقای داوید اچسن بطور صریح‌تری اعلام کرده است.

دائرات تحولات احکام دادگاهها و آئین دادرسی نسبت به جرائم و افزایش آنها مشابه اثر یک قرص آسپرین بر روی یک غده مغزی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی